

تبیین تسامح مذهبی در بستر حکمرانی اکبرشاه گورکانی

1 یعقوب پناهی

2 فرزاد فتاحی

چکیده

تحولات مذهبی به‌ویژه تسامح مذهبی در دوره اکبرشاهی که منجر به پدید آمدن دین الهی در میانه سال‌های سلطنت اکبرشاه شد، زائیده عوامل مختلفی است که در بستر زمانی - مکانی خاصی شکل گرفته است. بر پایه گزارش‌های تاریخی می‌توان پی برد که مهم‌ترین عامل ایجاد این تحولات خود اکبرشاه و ویژگی‌های خاص فکری و اخلاقی وی بوده است. در این میان گروهی از پژوهش‌گران با کنار زدن ظواهر گزارش‌های تاریخی، اکبرشاه را فراتر از یک مصلح دینی، سیاست‌مداری زیرک و بلکه سیاست باز توصیف کرده‌اند. به‌طور کلی سرچشمه تحلیل‌ها در مورد این پادشاه و اقدامات او به دو دیدگاه عمده باز می‌گردد که در این پژوهش مورد واکاوی و نقد قرار می‌گیرد: نخست دیدگاه ابالفصل علامی، وزیر اکبرشاه در دو کتاب «آئین اکبری» و «اکبر نامه» که به ارزیابی مثبت از همه کارهای او پرداخته است و دیگری دیدگاه نظر عبدالقادر بدائونی، که سرسختانه با اقدامات اکبرشاه به‌ویژه در زمینه «دین الهی» به مخالفت برخاسته است. در بدنه اصلی تحقیق تحولات مذهبی بررسی و عوامل اصلی برای تبیین تحولات صورت گرفته در بستر حکمرانی این پادشاه گورکانی برشمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: اکبرشاه، دین الهی، تسامح مذهبی، هند.

The religious pluralism in the era of Akbar shah the Mongol

Yaqub Panahi³

Farzad fattahi⁴

Abstract

In respect to many different factors in a special time-space conditions, some religious developments and above all, pluralism culminated in revealing a divine religion (Din-e Elahi) in the 23th year of the ruling of Akbar Shah (996 .h). According to the historical reports, we can conclude that the most essential factor was Akbar Shah himself. In addition of a religious reformer, some researchers believe that he was a wise politician too. In general, we have two essential sources for gaining information and analyses about Akbar shah and his activities: A positive view by his vizier, Abalfazl Alami in his two important books: "Ayin-e Akbar" and "Akbar name" and a very negative viewpoint by Abdol-qader Bedauni who was expressing many objections against "Din-e Elahi" (Divine religion). In this paper, we deal with the pluralism and religious policy of this reformist king and his basic goals; the national unity, general legislation and promoting justice in India.

Keywords: Akbar shah, Din-e Elahi(divine religion), The religious pluralism, India.

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس

2. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت مدرس

3. MA Student of History of Islam, Tarbiat Modares University.

4. MA Student of Islamic Philosophy, Tarbiat Modares University. Email:

farzad1404@gmail.com

بیان مسأله

پژوهش درباره دین و مذهب شخصی اکبرشاه و انگیزه‌های فردی او به منظور تبیین و تحلیل تحولات مذهبی و نیز تسامح مذهبی در دوران اکبرشاه گورکانی که به ابداع آئینی تازه با عنوان «دین الهی» منجر شد، در کنار اندیشه‌ها و اقدامات او (مانند تاسیس عبادت‌خانه، آزادی بیان و عقیده، ترویج فلسفه صلح کل و نیز تعیین زمان جلوس اکبرشاه به عنوان مبدأ تاریخ) ضروری به نظر می‌رسد. این امر نیازمند نگرستن به این مسئله با دیدگاهی عمیق و جامع در همه جهات است، چرا که در یک‌سو، مصلح دینی آزادمش و انسان‌گرا قرار دارد که حکومت بر قلوب، عواطف و احساسات را بر پیروزی با شمشیر و زور ترویج می‌دهد و از سوی دیگر در گزارشی کاملاً متفاوت، تمام اصلاح‌گری‌های این پادشاه جز سیاسی‌بازی تلقی نشده است؛ در نتیجه، تأمل عمیق و دقیق در شخصیت اکبرشاه به‌علاوه نقد و بررسی علمی علل تحولات صورت گرفته از سوی او، ضروری است.

از آن جایی که مهم‌ترین شاخصه‌های این تحولات مذهبی، تسامح مذهبی اکبرشاه و ایجاد دین الهی از سوی اوست این پژوهش عمدتاً بر محور این دو اقدام بنیادین دنبال می‌شود. تبیین تسامح مذهبی اکبرشاه به‌صورت دقیق و با متد علمی می‌تواند تا حدودی بی‌اساس بودن بسیاری از اتهامات و سوءظن‌هایی را که در مورد دوران پادشاهی و عملکرد این پادشاه بیان شده، بر ملا سازد و نشان دهد نزدیکی و وحدت بین مذاهب مختلف امری ممکن و قابل اجراست. علاوه بر این با تأمل در فلسفه این نوع تسامح و وحدت‌گرایی و نمونه‌های آن در طول تاریخ و کشف سنن حاکم بر آن‌ها، می‌توان تا حدودی نزدیکی و وحدت مذاهب را به‌ویژه در میان مذاهب اسلامی در عمل به منصفه ظهور رساند. این نکته شایان ذکر است که درباره این موضوع کار چندانی صورت نگرفته و تحقیقات جدی‌تر و عمیق‌تر با متد دقیق علمی، ضروری به نظر می‌رسد.

بر پایه گزارش‌های تاریخی، مهم‌ترین عامل ایجاد این تسامح شخص اکبرشاه بوده است. بالطبع شناخت و تأمل عمیق در زندگی وی می‌تواند در تحلیل این مسئله بسیار موثر واقع شود. در این راستا، حضور اکبرشاه در جامعه تسامح‌پذیر هند با مذاهب و ادیان گوناگون از یک طرف، و معاشرت با دانشمندان مهاجر با مذاهب مختلف - به‌ویژه دانشمندان و شعرای شیعی ایرانی - از طرف دیگر، همراه با تحولات روحی، چگونگی شکل‌گیری شخصیت اکبرشاه، اندیشه‌های اصلاح‌گرانه‌اش و شرکت در جلسات عبادت‌خانه که خود وی مؤسس آن بود، مورد مطالعه و تحلیل دقیق علمی قرار گیرد، تا شاید بتوان تا حدودی به حقیقت نهفته در سیره این پادشاه خوش‌نام تاریخ پی برد.

در این باره سوالات مهمی برای روشن کردن مسئله، قابل بررسی است:

انگیزه اصلی اکبرشاه از ایجاد تسامح چه بوده است؟ (قدرت طلبی، رفاه عمومی، آزادی خواهی، عدالت‌پرووری و یا عوامل دیگر)
 آیا تحولات مذهبی به‌ویژه تسامح مذهبی اکبرشاه و ابداع دین الهی، منبعث از شرایط اقلیمی و اجتماعی هند بود یا ناشی از عوامل نظری؟
 چه کسانی به‌جز خود اکبرشاه در ایجاد تسامح مذهبی و ابداع دین الهی موثر بودند و میزان تاثیرگذاری آن‌ها تاچه حد بوده است؟

اکبرشاه گورکانی در آئینه تاریخ

ابوالفتح جلال‌الدین محمد، اکبرشاه گورکانی (1014_949ه.ق / 1605_1542م) سومین فرمانروای سلسله تیموری هند (گورکانیان یا مغولان کبیر) و بزرگ‌ترین امپراتور مسلمان هند بود که پنج دهه بر تخت حکمرانی این سلسله تکیه زد. پدرش همایون و مادرش حمیده‌بیگم، زنی ایرانی بود که به گفته خافی‌خان نظام‌الملکی نسیب به شیخ احمد جام می‌رسید.⁵

اکبرشاه در بحبوحه بحران‌های سیاسی که به عزل همایون، پدرش و به‌تخت نشستن خودش با کمک شاه طهماسب صفوی انجامید، دوران کودکی را سپری کرد. در 963ه.ق و در آغاز جوانی به‌دستور پدر و به همراه اتابک بیرمخان، به جنگ اسکندرخان افغان رفت. در میانه راه، خبر مرگ همایون، بیرمخان را واداشت که با موافقت امرای لشکر، اکبر را به تخت پادشاهی بنشاند و تاریخ این جلوس (27 ربیع الاول 963) را بعدها مبدأ تاریخ الهی اعلام کند؛⁶ اکبر نیز به پاسداشت، بیرمخان صدراعظم پدرش را که مردی شجاع، شاعر و شیعی مذهب بود، به سپهسالاری و پیشکاری کل هند منصوب کرد؛ بیرمخان نیز موفق شد با وجود این‌که اکبر وارث دولتی آشفته بود، موانع به تخت نشستن او را (امرای لشکری مخالف چون ابوالعالی، اسکندر افغان، میرزا سلیمان و راجه‌های هندی همچون هیمو) رفع کرده و اکبر را در مسند پدرش مستقر کند. در 968ه.ق، واقعه‌ای بسیار مهم و ناگوار اتفاق افتاد و بیرمخان به علت سعایت برخی درباریان و خامی و جوانی پادشاه، توسط مردی افغانی به نام مبارک‌خان به‌قتل رسید.⁷

5. خافی‌خان نظام‌الملکی، منتخب اللباب، به تصحیح احمد کبیرالدین و غلام قادر (کلکته: مظهرالعجایب، 1874م)، ص 127.

6. احمد تنوی و آصف‌خان قزوینی، تاریخ الفی، به تصحیح سیدعلی آل داود (تهران: فکر روز 1387)، ص 565 - 563.

7. محمد حسینی، تاریخ راحت افزا، (حیدرآباد: اعظم اسیم پریس، 1366ق)، ص 35.

پس از بیرم‌خان، اکبرشاه خود رشته امور را به دست گرفت و قلمرو امپراتوری‌اش را طی 7 سال در شبه قاره هند گستراند. او در حدود نیم قرن (51 سال و 2 ماه) حکومت خود، توانست تا حد زیادی به هدف بزرگ خود که ایجاد دولتی یکپارچه در هند بود، دست یابد. کفایت، توانایی و نبوغ وی در اداره امور که با صفات برجسته‌ای چون آزادمنشی، اندیشه‌ورزی و انسان‌گرایی درهم آمیخته بود، سبب شد تا وی دیدگاهی اتخاذ کند که براساس آن تمامی مردم با گرایش‌های مختلف مذهبی و جایگاه طبقاتی خود برابر تلقی شوند و از حق حیات و آزادی برخوردار باشند.⁸ در اثر همین وحدت و تمرکز قدرت، دوره اکبرشاه یکی از مهم‌ترین و درخشان‌ترین دوران‌های تاریخ هند محسوب می‌شود. اقدامات اکبرشاه در جهت شکل‌گیری این تسامح فراگیر، منتهی به ابداع دین الهی شد و در ساختار اجتماعی زندگی مردم هند دگرگونی عمیق و بنیانی پدید آورد، که مهم‌ترین بخش زندگی اکبرشاه را تشکیل می‌دهد.⁹

این اقدام جسورانه و مبتکرانه که هدف اصلی آن، نزدیک‌تر کردن دل‌های مردم سرزمین هند به یکدیگر و ریشه‌کن کردن دشمنی‌ها و اختلافات فرق و مذاهب مختلف در کشور پهناور هند گورکانی بود، با استفاده از مسائل مشترک و مورد قبول ادیان و مذاهب مختلف و براساس صلح کل و پرهیز از اختلافات و با راهنمایی بعضی از وزیران و دانشمندان دربار - کسانی هم‌چون شیخ مبارک ناگوری و دو فرزندش ابوالفیض و ابوالفضل و نیز ملا احمد تنوی و دیگران -¹⁰ صورت گرفت.¹¹

برپایه گزارش‌های تاریخی می‌توان پی برد که مهم‌ترین عامل ایجاد این تسامح، شخصیت خود اکبر بوده است؛ بلندنظری، آزادی‌خواهی، عدالت‌پروری و روحیه تسامح او که همراه با پیروزی‌های نظامی و تداوم بلندمدت دوران پادشاهی‌اش بود او را بر اتخاذ و اجرای یک رشته سیاست‌های اصلاح‌گرانه اجتماعی و ایجاد تحولات مذهبی توانا ساخت. البته گروهی از پژوهش‌گران با کنار زدن ظواهر گزارش‌های تاریخی و با دیدی محققانه و توجه به محتوای گزارش‌ها و تحلیل آن‌ها او را نه یک مصلح دینی، بلکه سیاست‌مدار و سیاست‌بازی زیرک توصیف کرده‌اند.¹² همین ویژگی محققان بسیاری را به تأمل در زندگی و شخصیت او وا داشته و داوری‌های

8. منوچهر پزشکی، مدخل «اکبرشاه»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج 9، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی (تهران: موسسه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، 1379).

9. شیخ ابوالفضل علامی، اکبر نامه، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، ج 1 (تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی، 1385)، ص 58.

10. هیأتی 18 نفره در شکل‌گیری دین الهی (صلح کل) با یکدیگر مشارکت داشتند.

11. علامی، ج 1، ص 59.

12. جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ج 1، ترجمه محمود تفضلی (تهران: امیرکبیر، 1377)، ص 609.

گونناگونی را درباره او پدیدآورده است که همگی در نهایت به دو سرچشمه اصلی باز می‌گردند: نخست دیدگاه موافق ابالفضل علامی که در دو کتاب *آئین اکبری* و *اکبر نامه*، به‌مثابه تاریخ اجتماعی دوران اکبر، به ارزیابی مثبت از همه کارهای او پرداخته و دیگری دیدگاه متعلق به عبدالقادر بدائونی که مخالف سرسخت دین الهی بوده است.¹³ همچنین الیوت در گزیده‌ای از کتاب *منتخب التواریخ*، رفتارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی اکبر رابه نقد کشیده است.¹⁴

با این همه، بر مبنای گزارش‌های تاریخی، می‌توان گفت سیاست‌های مذهبی و اصلاح‌گری‌های اکبر، از یک‌سو حاکی از تصمیم آگاهانه او مبتنی بر اندیشه‌ای ثابت و هدفی مشخص بوده است. از سوی دیگر، سیاست‌های او متناسب با شرایط زمان و مکان، تغییر و تحولاتی داشته است که البته این تغییرات بر رفتار اکبر تاثیر داشته است، تا جایی که وی گاهی به اتخاذ یک رشته فعالیت‌ها و کارهایی دست یازیده که چندان مطلوب او نبوده و حتی در تقابل با اهداف وی قرار داشته است. این‌گونه اقدامات او، به برداشت‌های متفاوتی از سوی پژوهش‌گران در تبیین شخصیت و دین الهی اکبر منجر شده است. در نهایت در یک تقسیم‌بندی شش‌گانه نحوه شکل‌گیری این صلح کل از زوایای مختلف و به‌صورت جامع و در یک بستر هماهنگ تحلیل و ارزیابی می‌گردد.

تقسیم‌بندی علل شکل‌گیری توحید الهی (یا صلح کل)

1. شکل‌گیری شخصیت اکبر

2. اکبر و جامعه هند

3. تحولات روحی اکبر، انگیزه‌ها و اندیشه‌های اصلاح‌گری او¹⁵

4. تاسیس عبادت‌خانه یا انجمن آگاهی و طرح ریاست روحانی

5. انگیزه‌های سیاسی

6. آیین‌گذاری دین الهی

13. علامی، *اکبر نامه*، ج 1، ص 62.

14. Elliot, H. M., *Akbar's religion viws as described badauni, history if india*, p. 227.

نقل از: پزشک، مدخل «اکبرشاه»

15. پزشک، همان.

1. شکل‌گیری شخصیت اکبرشاه

چند عامل مهم در شکل‌گیری شخصیت اکبر موثر بوده است. کودکی و نوجوانی او بیشتر همراه پدرش همایون و در سفرهای جنگی گذشت. لذا روحیه‌ای بردبار، سرد و گرم چشیده در او پدید آمد. پدری که اصالت مغولی داشت، مادری ایرانی (حمیده بیگم) و دینی که منادیش ندای رحمه للعالمین بودن را سر می‌داد، او را نسبت به اقوام و مذاهب مختلف اهل تسامح و مروت قرار داده بود. اکبر هرچند فرصت آموزش و تحصیل پیدا نکرد اما این را به‌خوبی فهمیده بود که «تسامح و برابری برای همه» رضایت کل جامعه و حرکت به سمت ترقی و پیشرفت را در پی خواهد داشت. لذا تلاش خود را معطوف به خشنودی همه اقوام و پیروان همه مذاهب قرار داده بود.

اکبر تحت‌تاثیر مادرش، سخت مذهبی و سنت‌گرا بار آمده بود و به عرفان، درویشی و تصوف توجه خاصی نشان می‌داد.¹⁶ محیطی که در آن رشد کرد، آکنده از تسلط سنت‌گرایان بر امور بود. او نیز تا حدود 20 سالگی مسلمانی معتقد و مقید به آداب ظاهری دین بود، به‌ویژه بیرم‌خان که شیعه بود و سرپرستی او را بر عهده داشت، بر او نفوذ فوق‌العاده‌ای داشت.¹⁷ چنین به نظر می‌آید که همین برخورد با اشخاص دارای مذاهب مختلف، ذهن پرشور اکبر را به‌سوی کسب تجربه‌های روحانی، اجتماعی و سیاسی سوق داد. بنابر گفته الیوت، او شب‌ها درباره خدا و راه رسیدن به او تأمل می‌کرد. او به مبارزه علیه تعصب علمای سنی پرداخت و سعی در جلب رضایت شیعیان، هندوان و دیگر مذاهب داشت.¹⁸ دوران 50 ساله حکومت اکبرشاه، دوران استقرار کامل و اعتلای حکومت اسلامی در شبه‌قاره بود. نظامات و نظم، آرامش و وحدتی که به‌وجود آمده بود (به‌خصوص تشکیلات منظم اداری و قضایی و دیوان‌های مالیاتی) دو قرن و نیم ادامه پیدا کرد.¹⁹

2. اکبر و جامعه هند

قاطبه جامعه هند، مردمان هندویی بودند که خرافات در میانشان سخت رسوخ داشت و در واقع روح دینی زمان به‌شمار می‌رفت. از طرفی مذهب پیشینیان اکبر که تسنن آمیخته با عقاید رایج در آسیای

16. همان جا.

17. عبدالحسین نوایی، مجموعه اسناد و مدارک تاریخی ایران، ج 3 (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، 1341)، ص 314؛ جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1373)، ص 107.

18. پزشکی، همان.

19. فتح‌الله مجتبیایی، «اسلام در شبه قاره هند و پاکستان»، اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی، زیر نظر کاظم بجنوردی (تهران: چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1383)، ص 218.

میانه بود و نیز عالمان سنی که در زمینه‌های سیاسی و حکومتی مداخله داشتند و در عین برخورداری از قدرت سیاسی و اقتصادی هیچ‌گونه عقیده مخالفی بر نمی‌تافتند، احساس نیاز به اصلاح‌گری را در ذهن اکبر ایجاد کرد. این خرافات در قالب رسم و رسوماتی سخت، تحمل‌ناپذیر و غیرانسانی مانند رسم سوزاندن زنان همراه جسد شوهران‌شان (رسم ساتی)، مجاز نبودن زنان بیوه به ازدواج دوباره، ازدواج در شیرخوارگی و محاکمه آمیخته با شکنجه، نمود عینی و اجتماعی یافته بود.²⁰ به‌نظر می‌رسد مواردی که به آن‌ها اشاره شد، در کنار برخی مالیات‌های تحمیلی از سوی حاکمان مسلمان بر هندوان مانند جزیه، مالیات زیارت معبدهای هندو، عدم به‌کارگیری هندوها در مناصب دولتی، عدم آزادی دینی و بحث و جدل میان مسلمانان،²¹ وضعیت بسیار نامطلوب هندوان و مسلمانان هندی، در ذهن اکبر، احساس نیاز به تحولات و جنبش‌های اصلاح‌گرانه اجتماعی و مذهبی ایجاد کرد.

3. تحولات روحی اکبر، انگیزه‌ها و اندیشه‌های اصلاح‌گرانه

«شاید بتوان گفت اکبر پدر ملت و ناسیونالیسم هند بوده است. در دورانی که از ملیت در هند خبری نبود و مذهب هم یک عامل تفرقه به‌شمار می‌رفت، او از روی فهم و شعور و تعمداً، فکر ایجاد یک ملیت مشترک هندی را مافوق ادعاهای تفرقه‌انگیز مذهبی قرار داد.»²² این دستاورد بزرگ - استقرار اندیشه ملیت هندی - جامعه هند را به‌سوی وحدت ملی رهنمون ساخت. بدون شک اکبر در نگرش دینی خود متحول شده بود و در اعتقاد به اسلام همانند پادشاهان پیشین مغول نبود، بلکه همواره می‌کوشید تا دین را پس از تبیین و توجیه عقلی پذیرا باشد.²³ با چنین رویکردی، این دو نظریه متفاوت درباره او صورت گرفت و برخی او را مسلمان دانسته و عده‌ای او را خارج از اسلام پنداشته‌اند. به نظر برخی، اکبر تحت نفوذ خاندان فیضی یعنی شیخ مبارک و دو پسرش ابوالفضل و فیضی شاعر و نیز شاعران و دانشمندانی که از ایران به دربار هند رفته بودند، به سوی سست اعتقادی کشیده شد.²⁴

20. نوایی، ج 3، ص 319.

21. پی هاروی، مسلمانان هند بریتانیا، ترجمه حسن لاهوتی (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1369)، ص 40.

22. نهرو، ج 1، ص 609.

23. همان، ص 602.

24. علامی، ج 1، ص 59.

این سخن درستی است که گروه بسیاری از شاعران، متفکران و دانشمندان ایرانی، برای رهایی از جور و فشار و تعصب دینی صوفیه به دربار همایون و اکبر پناه برده بودند،²⁵ اما از طرفی علاقه فعالانه اکبر به ادبیات و تاریخ‌نویسی و تلاش او در راه ترویج و ترقی این فنون و الطاف و اکرام بی‌پایانش به دانشمندان نیز در جذب آن‌ها بی‌تاثیر نبوده است.²⁶ پر واضح است که بیشتر دانشمندان، شاعران و مورخان که به دربار او پناه می‌بردند، متفکرانی آزاده با دیدگاه‌هایی نو و ضدسنتی وصف شده‌اند و این پادشاه گورکانی از آن‌ها تاثیر پذیرفته است. اما این گونه نبوده که اکبر، کاملاً منفعل و صرفاً فردی تاثیرپذیر باشد بلکه بی‌گمان وی صاحب اندیشه‌هایی نو بوده و به‌رغم فقدان آموزش رسمی، روحیه جستجوگر و عشق به دانش‌اندوزی بر او غلبه داشته است.²⁷

افزون بر این، پیش از پیوستن فیضی شاعر و ابالفصل علامی به دربار اکبرشاه نیز چند اقدام اصلاح‌گراانه که نشان از روحیه تسامح او داشت، یعنی بخشیدن مالیات و جزیه زائران هندو، از او سر زده است. روحیه انعطاف، عدالت‌جویی و تحمل عقاید دیگران در اکبر وضعی را ایجاد کرد که بعدها شیخ احمد سرهندی آن را غرقه شدن در دریای بدعت خواند؛²⁸ الغای جزیه این نتیجه را داشت که گروه عظیمی از راجپوت‌های عصیان‌گر به اکبر پیوستند. پیوند ازدواج با راجپوت‌ها و به‌کارگیری هندوان در اداره امور کشور، هر چند گروهی از مسلمانان سنی را ناخشنود کرد، اما گامی بزرگ به‌سوی وحدت و توسعه امپراتوری بود.

4. تاسیس عبادت‌خانه یا انجمن آگاهی و طرح ریاست روحانی

مهم‌ترین و موثرترین اقدام اکبر برای گسترش روحیه تسامح و عقل‌گرایی در جامعه، تاسیس عبادت‌خانه یا انجمن آگاهی بود. او در سال 983 ه.ق (1575م)، در پایتخت خود - فتح پورسیکری - بنای ویژه‌ای برای این انجمن برپا کرد. وی نخست عالمان اهل سنت را به این محفل دعوت کرد و اندک اندک دانشمندان همه ادیان، مذاهب و فرق هند را به آن‌جا فراخواند. در این عبادت‌خانه هر شب جمعه پس از نماز حلقه‌های چندگانه تشکیل می‌شد و میان اهل نظر بحث‌ها و مجادله‌ها در می‌گرفت. اکبر خود به همه حلقه‌ها سر می‌زد و در بحث‌ها شرکت می‌جست. بدین‌گونه وقتی

25. اصغر آفتاب، تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان (لاهور: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، 1364)، ص 125.

26. اسکندر بیگ منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، ج 1، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی (تهران: بی‌نا، 1350)، ص 476.

27. پزشکی. همان‌جا.

28. نوایی، ج 3، ص 355 - 354.

نمایندگان ادیان و آیین‌های مختلف در کنار هم آزادانه به بیان عقیده و استدلال می‌پرداختند، شکل نادری از تسامح و آزاداندیشی مذهبی و زندگی عقلانی را در هند به نمایش می‌گذاشتند.²⁹ این در حالی است که در همان دوران، تعصب مذهبی تا سرحد جنگ و کشتارهای بی‌رحمانه و سوزاندن مردم در اروپا رواج داشت.³⁰

اندکی بعد، اکبرشاه طرحی نو در انداخت؛ در رجب 987 ظاهراً به درخواست عالمان دینی و در واقع به اشاره خود اکبر، اساسنامه‌ای - سند دست‌نوشته - تهیه و تنظیم شد که به او اختیار می‌داد از میان فتوهای گوناگون درباره یک مسأله، حکم نهایی را با نظر خویش معین کند. به این ترتیب، اکبر افزون بر قدرت پادشاهی، در عمل به بالاترین مقام دینی کشور، همچون مجتهد اول و مترادف امام عادل تبدیل شد و کسی توان مخالفت با او را نداشت. در همین سال رسم خطبه را نیز بنیان نهاد و براساس بیانیه علما، هر نوع تفسیر از قرآن برای حکومت خود را روا می‌دانست، هرچند این بار مخالفت عده ای از علما مشکلاتی را برای او به وجود آورد.³¹

درباره انگیزه اکبر در تاسیس عبادت‌خانه، رساندن خود به حد صدور فتوا و در مجموع گسترش روح و فلسفه تسامح دینی و آزادی اندیشه که خود از آن با عنوان «صلح کل» تعبیر می‌کرد، نظرات گوناگونی ابراز شده است. برخی از محققان کوشیده‌اند تا انگیزه‌های درونی و شخصی برای تسامح دینی او بجویند؛ از این‌رو، ورود هیأت مبلغان مسیحی از گوآ به دربار اکبر، استقبال گرم او از آنان و شرکت دادن ایشان در بحث‌های عبادت‌خانه را با این احتمال همراه کرده‌اند، که او می‌خواست به مقامی همانند مقام پاپ دست یابد. این افراد بر این باورند که شیخ مبارک و دو پسرش، مشوق اصلی او در این اقدامات بوده‌اند. در مقابل، برخی دیگر، همه کارهای اکبر را حرکتی نمایشی برای شکستن قدرت عالمان دینی و سنت‌گرایان مسلمان و در جهت گسترش نفوذ بر مسلمانان سنتی هند تفسیر کرده و انگیزه نهایی او را، رسیدن به قدرت مطلق دانسته‌اند.³²

29. Lav, n, *Promotion of learning in Muslim India*, p.172. مدخل «اکبرشاه».

30. نهرو، ج 1، ص 608.

31. مجموعه نویسندگان، *تاریخ اسلام کمبریج*، ترجمه تیمور قادری، ج 2 (تهران: مهتاب، 1387)، ص 125.

32. پزشک، همان.

5. انگیزه‌های سیاسی

در زمینه اصلاح‌گری‌های اجتماعی و سیاسی و تسامح و تساهل دینی، نمی‌توان از منظری تک‌بعدی و یک‌سویه به مسائل توجه کرد، بلکه باید عوامل مختلف و مهم را در کنار انگیزه‌های شخصی و سیاسی، قدرت‌طلبی و دیگر عوامل مادی تحلیل کرد؛ در مورد اکبرشاه هم وضع به همین منوال است. هوش سرشار، اندیشه ژرف و میل به قدرت برای تثبیت امپراتوری، تنها بخشی از انگیزه‌های اکبر را تشکیل می‌دهد. چراکه او به‌رغم آن که سرداری شایسته بود، حکومت بر قلوب مردم را بر پیروزی از راه شمشیر ترجیح می‌داد.³³

در همسایگی اکبر، شاهان صفوی که مرشد کامل و رهبر روحانی کشور محسوب می‌شدند، فرمان می‌راندند و در آن سوی، عثمانیان قرار داشتند که با صبغه دینی بر بخش اعظمی از قلمرو اسلام و بخش‌هایی از اروپا سیطره داشتند؛ این دو می‌توانستند در جهان آن روز برای اکبر الگویی زنده به‌شمار آیند. از سوی دیگر، بی‌گمان عالمان رسمی و سنتی دینی به سبب نفوذ در جامعه، سدی محکم در برابر گسترش قدرت اکبر محسوب می‌شدند، از این‌رو او می‌کوشید پایه‌های قدرت خود را از درون نهادهای شکل‌گرفته روحانیت سنتی بیرون کشیده و بر زمینه‌های دیگری استوار سازد. اما این احتمال نیز وجود دارد که امضاکندگان اساسنامه پیش‌گفته - که بیشتر عالمان سنی بودند - نه به سبب زور و فشار بر آن‌ها بلکه برای شکستن نفوذ و اقتدار ایرانیان شیعی مذهب، با اکبر همراهی کرده‌اند.³⁴ چنان‌که بعدها دیده می‌شود، بسیاری از عالمان و رهبران سنت‌گرا که با نوآوری‌های او مخالفت کردند، تبعید و حتی پنهانی کشته شدند.³⁵ به‌هرحال، بر اثر اقدامات اکبر موجی از مخالفت و شورش در کشور پدید آمد. اکبر به بی‌دینی، شیعی‌گری و برهمنی بودن متهم و تکفیر شد. او ابتدا این اتهامات را رد کرد و بر مسلمانی و دین‌مداری خود پای فشرد و گویا برخی از عالمان مخالف خود را (از جمله شیخ عبدالنبی و ملا عبدالله سلطانی‌پور) را از پیرامون خود دور کرد.³⁶

اکبر سرانجام موفق به سرکوب شورش‌ها شد و توانست نظام طبقاتی اشراف حکومت‌گر را تغییر دهد و با زمان هماهنگ کند. هرچند گفته شده که اکبر می‌خواست با استفاده از عامل مذهب و تبلیغ و تسامح، گروه راجپوت‌ها را به‌جای گروه‌های دیگر بنشانند، اما دست‌کم او توانست با امضای

33. جواهر لعل نهرو، کشف هند، ترجمه محمود تفضلی (تهران: سپهر، 1350)، ص 601.

34. محمدعلی خان، «هند به روزگار مغول»، مجله ارمنان، ترجمه محمد حسین ساکت، ش 1، (اسفند 1351)، ص 81.

35. ابوالفضل علامی، آئین اکبری، ج 3 (لکهنو: بی‌نا، 1893م)، ص 271.

36. همان، ج 3، ص 273؛ تاریخ اسلام کمبریج، ص 271.

اساسنامه، به اندیشه‌های تسامح و تساهل‌گرایانه خود بپردازد، دانش و آگاهی را رواج دهد، هندو، پارسی و مسیحی و جز آن‌ها را پیرامون خود گرد آورد و با استفاده از خلأ ناشی از اختلاف عالمان دینی که یکدیگر را به کم دانشی در دین متهم می‌ساختند و گاهی به تکفیر هم می‌پرداختند، فرصت را برای کسب قدرت مطلق سیاسی و روحانی مغتنم شمارد.³⁷

6. آئین‌گذاری دین الهی

اکبر پس از سرکوب شورش‌های بزرگ و تثبیت موقعیت خود، سیاستی دو رویه در پیش گرفت و با چرخشی آرام به سوی روشنگری، به تبلیغ نظریه صلح کل خود پرداخت. وی با پشتوانه 20 سال تجربه و آزمون و خطا در رابطه با مداخله در کارهای دینی، هرچند در امور مذهبی رفتاری یک‌دست و شفاف از خود نشان نمی‌داد، اما سیاست‌های او نه‌تنها باعث رشد و نفوذ قدرت و شخصیت وی شد بلکه سود و مصلحت همه مردم هند و اجرای عدالت عمومی را در پی داشت.³⁸

هرچند طبیعت آرام و پربرتک و نیز عرفان خاص، هند را ذاتاً تسامح‌پذیر کرده، اما با توجه به تکثر دینی موجود در این جامعه، دغدغه ایجاد ملتی بزرگ و یگانه، سال‌ها ذهن اکبرشاه را به خود مشغول داشته بود. از این‌رو، اکبر به یکی از بزرگ‌ترین اقدامات خود دست زد و آئین جدیدی را ابداع کرد که به دین الهی مشهور شد و محتوای آن با دیگر اندیشه‌های او همچون تاسیس عبادت‌خانه، آزادی بیان و عقیده، ترویج فلسفه صلح کل و غیره هماهنگی داشت. وی برای تکمیل اجزای این پیکره، دست به تغییر مبدأ تاریخ زد. به‌نظر می‌رسد که اندیشه تغییر تقویم هجری قمری، سال‌ها قبل از تاسیس دین الهی در ذهن او بوده است اما در این وقت فرصت را مناسب دید و سال بر تخت نشستن خود را آغاز تقویم «الهی» «سال الهی» قرار داد.³⁹ دانشمندی ایرانی به نام امیر فتح‌الله شیرازی، وی را به انجام این کار واداشت. ابالفصل علامی با اشاره‌ای ظریف می‌خواهد این مفهوم را منتقل کند که اکبر همواره مایل بود کارهای سیاسی، اجتماعی و حکومتی را از سلطه دین خارج سازد، اما از بیم مخالفت‌های احتمالی تا زمانی که ریاست روحانی جامعه برایش مسلم نشد، آن کار را انجام داد.⁴⁰

37. بهال‌الدین خرمشاهی و دیگران، دایره المعارف تشیع، ج 2 (تهران: نشر شهید محبی، 1380)، ص 89.

38. نهرو، کشف هند، ص 601.

39. علامی، آئین اکبری، ج 1، ص 193.

40. تاریخ اسلام کمبریج، ص 1025.

ابهاماتی که درباره زمان آشکار کردن دین الهی وجود دارد، موید آن است که اندیشه آئین جدید، یکباره طرح نشده، بلکه چند سالی به صورت نیمه رسمی، در قالب یک شایعه و یا دست‌کم در محافل خصوصی تبلیغ می‌شده است؛ چنان‌که هیأت مبلغان مسیحی، که پیش از اعلام رسمی دین الهی از سوی اکبر چندین بار به دربار وی رفته بودند، از وجود چنین طرحی در اندیشه اکبر پرده برداشته‌اند.⁴¹ دین الهی که اکبر خود نام رسمی آن را «توحیدالهی» گذاشته بود، کتاب نداشت بلکه مجموعه‌ای از عقاید، مراسم‌ها و آئین‌های مختلف بود و در واقع نوعی فلسفه شخصی زندگی به‌شمار می‌رفت که اکبر از تلفیق بحث‌های عبادت‌خانه استنباط کرده بود و دیگران با مبالغه آن را دین می‌نامیدند. طبق این دین، ایمان بر اصول و پیش‌فرض‌هایی استوار است که بر قلب انسان تجلی می‌کند.

طبق برخی نظریات تفکرات عنوان شده در عبادت‌خانه، آئین هندو و برهمن که دانایان‌شان با اکبر ملاقات‌های خصوصی داشتند و نیز مراجعه هیأت‌های تبلیغی مسیحی با افکاری درباره مسیح، تئلیت و پاپ به دربار او، در دگرگون ساختن اندیشه اکبر سهم داشته‌اند. این تاثیرپذیری‌ها او را با پرسش‌هایی بنیادین مواجه ساخت. از جمله این‌که چرا باید حقیقت را در یک دین محدود کرد و به آن مختص دانست؟ حقیقت یکی است، پس وجه ترجیح آن چیست؟ در نهایت این گفت و گوها به ابداع آیین جدیدی انجامید که ضمن حفظ وحدت جامعه از راه عمق بخشی به روح همبستگی، موجبات پیشرفت جامعه را ایجاد می‌کرد.⁴² به همین جهت برخی اکبر را نخستین پژوهنده ادیان تطبیقی دانسته‌اند.⁴³

نتیجه‌گیری

به‌رغم برخی تحلیل‌ها که با استفاده از اخبار رسیده از بدائونی صورت گرفته و اصلاحات مذهبی - اجتماعی اکبر را نوعی بازی سیاسی خوانده‌اند که در اثر معاشرت با وزرایی همچون ابوالفضل علامی و برادر او فیضی، یا نفوذ کشیشان در دربار هند صورت گرفته، و همچنین برخی تحلیل‌ها که هدف از این تسامح را مبارزه با تعصب علمای سنی‌مذهب، جلوگیری از مداخلات ایشان در امور کشور و تحقق قدرت مطلقه اکبر دانسته‌اند، اما نمی‌توان رفتار مهرورزانه و پسندیده اکبر را که موجب تسخیر

41. Sharma, s, *Religious policy in india*. به نقل از: پزشک، مدخل «اکبرشاه».

42. پزشک، همان‌جا.

43. نهرو، کشف هند، ص 601.

قلوب مردمان هندو شد که پس از قرن‌ها طعم وحدت و امنیت را به جای شمشیر و جنگ چشیده بودند، نادیده گرفت. نمی‌توان تلاش اکبر برای برقراری عدالت و آزادی و میلش به انسان‌گرایی و مساوات را که در عمل از سوی وی به اجرا در آمد، صرفاً ترفندی سیاسی دانست. البته گاهی در این بین سیاسی‌بازی‌هایی هم صورت می‌گرفته که قابل انکار نیست.

اکبر به فکر ایجاد وحدت ملی بود و این نکته را خوب فهمیده بود که هر نوع اصلاح‌گری در جامعه دینی آن روزگارهند، باید ساختار دینی داشته باشد. لذا با اعمال قوانینی که گاه خود با حق فتوایی که از برخی علما به‌دست آورده بود سعی در انجام این کار خطیر داشت. به واقع اکبر می‌خواست به هر طریقی تفکر اسلامی و اندیشه مذهبی هندوان را به‌هم نزدیک کند که تا حدودی هم موفق شد. توحید الهی اکبر در واقع آئین و مجموعه قوانینی بود اخلاقی - اجتماعی برای تنظیم روابط فرد با جامعه، گروه‌های اجتماعی و نیز حاکمیت و عاملان آن. این که برخی او را خارج از دایره اسلام دانسته‌اند، با اخبار رسیده از برخی پافشاری‌های او بر اعتقادات و شرعیات اسلامی هم‌خوانی ندارد. اکبرشاه حقیقت را یکی می‌دانست و پیروان همه ادیان و مذاهب را جستجو کننده این حقیقت به‌شمار می‌آورد. با این استدلال، وی ترجیح یک مذهب یا دین، بر مذهب یا دینی دیگر را غلط می‌دانست. او معتقد بود که می‌توان خدا را به هر طریقی پرستش کرد و توحید و یگانگی خداوند در ذهن‌ها و قلب‌های مردمان به اشکال گوناگون منعکس شده است. اکبر در وضع این اندیشه‌ها از همه باورها و اعتقادات مذهبی مردمان هند بهره جست و بسیاری از دستورات عملی توحید الهی را از عرفان و تصوف اخذ کرد.

کتاب‌نامه

- آفتاب، اصغر. تاریخ نویسی در هند و پاکستان. ج 1. لاهور: خانه فرهنگ ایران، 1364.
- پزشک، منوچهر. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. ج 9، مدخل «اکبرشاه». تهران: موسسه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، 1379.
- تتوی، احمد و آصف‌خان قزوینی. تاریخ الفی. به تصحیح سید علی آل داود. تهران: فکر روز، 1387.
- حسینی، محمدعلی. تاریخ راحت افزا. حیدرآباد دکن: اعظم اسیم پریس، 1366ه.ق.
- خرمشاهی، بهالدین و دیگران. دایره‌المعارف تشیع. ج 2، تهران: نشر شهید محبی، 1380.
- علامی، ابوالفضل. آئین اکبری. ج 3. لکهنو: بی‌نا، 1893م.
- _____ . اکبرنامه. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. ج 1. تهران: انجمن مفاخر، 1385.
- مجتبایی، فتح‌الله. «اسلام در شبه قاره هند و پاکستان». اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی. به‌کوشش موسوی جنوردی. تهران: چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1383.

- مجموعه نویسندگان. تاریخ اسلام کمبریج. ج 2. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب، 1387.
- محمدعلی خان. «هند به روزگار مغول». مجله ارمغان. ترجمه محمدحسین ساکت. ش 1. اسفند 1351.
- منشی، اسکندر بیک. تاریخ عالم آرای عباسی. ج 1. به تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: بی نا، 1350.
- نظام‌الملکی، خافی خان. منتخب اللباب. به تصحیح احمد کبیرالدین و غلام قادر. کلکته: مظهر العجایب، 1874م.
- نهره، جواهر لعل. نگاهی به تاریخ جهان. ترجمه محمود تفضلی. تهران: امیرکبیر، 1377.
- _____ . کشف هند. ترجمه محمود تفضلی. ج 1. تهران: سپهر، 1350.
- نویس، عبدالحسین. مجموعه اسناد و مدارک تاریخی ایران. ج 3. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1341.
- هاردی، پی. مسلمانان هند بریتانیا. ترجمه حسن لاهوتی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1369.
- هالیستر، جان نورمن. تشیع در هند. ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1373.

